

پاسخ‌های پتان را از طریق پیامک به شماره ۳۰۰۰۹۹۹۰۱ ارسال کنید. به ۳ نفر از افرادی که پاسخ درست را ارسال کرده باشند به قید قرعه کارت هدیه ۵۰۰ هزار تومانی اهدا می‌شود.

## پاسخ معماری شماره ۱۳

در معماری جنایی شماره قبل اشاره شد که کار آگاهان در محل کشف جسد یک دستگاه ضبط صدا کشف کردند و وقتی دکمه پخش دستگاه را فشار دادند شروع به پخش صدا کرد. صدایی پریده پریده شنیده می‌شد که می‌گفت: از زندگی ام راضی نبودم و به زندگی ام پایان دادم. حلالم کنید. بعد از آن هم صدای شلیک گلوله شنیده و در نهایت صدا قطع شد.

پخش این صدا و شنیده شدن صدای گلوله در آن در حالی بود که اگر متوفی خودش صدای ضبط کرده باشد دیگر نمی‌توانسته که نواز را به عقب برگرداند و هنگام پخش از ابتدا پخش شود. این موضوع نشان می‌داد که این حادثه خودکشی نیست و یک جنایت مرموز اتفاق افتاده است.

## برندگان

۰۹۱۲۳۵۸۷

۰۹۱۲۴۱۰۸

۰۹۱۰۹۲۸۳

برنده کارت هدیه

۵۰۰ هزار تومانی

شدند.



## معماری جنایی: غریبه‌ای کنار جسد

شیشه‌های خودرو را بالا داد، درها را قفل کرد و از همسرش جدا شد تا به پمپ‌بنزین برود. حدود یک ساعت طول کشید تا او توانست بنزین تهیه کرده و دوباره به آنجا برگردد. وقتی او نزدیک ماشین شد همسرش را دید که روی صندلی افتاده بود. با اینکه درهای ماشین قفل بود اما او غریبه‌ای را نیز در ماشین کنار همسرش دید. مضطرب شد. گمان می‌کرد همسرش خوابیده است اما وقتی با عجله در ماشین را باز کرد فهمید همسرش بدون اینکه آثار ضرب و جرحی داشته باشد جانش را از دست داده است. اما این غریبه چه کسی بود و چطور توانسته بود بدون اینکه شیشه را بشکند یا به قفل‌های خودرو آسیب‌ی وارد کند داخل خودرو شود.

زن و شوهر جوان حدود یک سال از ازدواج‌شان می‌گذشت. آنها در این مدت از زندگی‌شان راضی بودند و روز به روز بیشتر به یکدیگر علاقه‌مند می‌شدند. آنها نقشه‌های تازه‌ای برای زندگی‌شان کشیده بودند و رؤیاهای‌شان پایانی نداشت. این زوج خوشبخت تصمیم گرفتند آخر هفته را به سفری دو روزه بروند. آنها منطقه‌ای جنگلی را برای سفر انتخاب کردند. مدتی بود که امیر بنزین خودروی آنها خراب شده بود. مرد جوان گمان می‌کرد بنزینی که در باک است برای این سفر کافی باشد اما در حالی که آنها در میانه راه بودند خودروی‌شان در منطقه‌ای خلوت به دلیل تمام شدن بنزین خاموش شد. این حادثه در شرایطی اتفاق افتاد که گوشی‌های موبایل آنها هم شارژ نداشت. زوج جوان در محاصره بدی گرفتار شده بودند و نمی‌دانستند باید چه کار کنند. از طرفی آنجا نیز جاده‌های دورافتاده و خلوت بود و هیچ کس از آن حوالی عبور نمی‌کرد. در این شرایط مرد جوان تصمیم گرفت با پای پیاده خودش را به یک پمپ بنزین برساند. او پس از اینکه مطمئن شد کسی در آن اطراف نیست

## روایت جدایی

معرفی فیلم «بی» و «بدن» ساخته مرتضی حسینی زاده که در جشنواره فجر به نمایش درآمد

برای دور کردن سایه سیاه اعدام از سر فرزندش آبروی ارغوان و خانواده‌اش را به بازی می‌گیرد، پرونده برای بازپرس قدری جنبه شخصی پیدا می‌کند و تاوانش را هم به مافوقش پس می‌دهد. آدم‌ها در «بیدن» از ابتدا تا انتهای فیلم مادام از چیزی یا کسی دور می‌افتند؛ غزاله از بدن و جوانی و حق حیاتش، مادر از دخترش و حق مهرورزی مادرانه، پدر از دختری که هیچ‌وقت رابطه نزدیکی با او نداشته، مادر مطلقه سروش از پسرش و آرزوی مادری برای فرزندش، پدر سروش از منطلق و انصاف، بازپرس از خواست قلبی‌اش که جان جوانی گرفته نشود و سروش از عاطفه و حقیقت و حق زیستنش. «بیدن» داستان جدایی است و حرمان و حسرت، داستان کبودی خاطر و جراحت خاطر.



## ستایش یگانه: «بی» و «بدن»

(که همینطور سرهم و به‌هم چسبیده، بدون فاصله و نیم‌فاصله میان «بی» و «بدن»، در تیتراژ درج می‌شود) داستان مؤانست و مجانستی است از دست‌رفته؛ داستان فراق و دوری و سفر، اما فراقی بی‌وصال و دوری بی‌دیدار و سفری بی‌بازگشت؛ داستان تباهی و حسرت و حرمان؛ داستان داغ بی‌التیام و کبودی خاطر و جراحت خاطر.

داستان از جایی شروع می‌شود که پدر و مادر دختری دانشجو به نام ارغوان که چند روزی است به خانه برگشته، به دادرسی می‌روند تا اطلاعی از سرنوشت دخترشان به‌دست آورند. از همان نخستین مواجهه بازپرس جوان با پدر و مادر نگران که از روابط دختر پرس و جو می‌کند، مشخص است مادر چیزهایی از روابط دخترش می‌داند که به ملاحظه حضور پدر تمایلی به بازگو کردنش ندارد اما وقتی پسری به نام سروش که دوست ارغوان بوده، به اتهام قتل او دستگیر می‌شود، پرده‌ها یک‌به‌یک کنار می‌رود و تماشاگر مثل پدر ارغوان (با بازی سروش صحت) از حقایق مطلع می‌شود که توضیح ناپدید شدن ارغوان و نقش سروش و پدر سروش در ماجراست.

شخصیت اصلی فیلم مادر ارغوان (با بازی الناز شاکردوست) است که دوری از دلبنده و سهمی که خودش در رابطه ارغوان و سروش داشته، آرام و فرارش را روبرو و دلش را ریش کرده و جز تحمل درد مهجوری باید زخم زبان آدم‌ها را هم تاب بیاورد که خونخواهی او را سبب از بین رفتن زندگی سروش می‌دانند. درد دوری برای مادر و پدر ارغوان کافی نیست که درد شمات و قضاوت غریب و آشنا و موضع‌گیری‌های فضای مجازی نیز بر سرشان آوار می‌شود. بازپرس جوان (با بازی نوید پورفرج) شایق به کشف حقیقت و اجرای عدل است اما عدالت و قانون همیشه با هم برابر نیستند و آنجا که پدر سروش (با بازی پژمان جمشیدی)

## فیلم

## در کمال خونسردی

**علی‌الله سلیمی، روزنامه‌نگار:** کتاب «در کمال خونسردی» از آثار مطرح در ادبیات جنایی و معمایی جهان است که به قلم ترومن کاپوتی تألیف و با ترجمه نصرالله مرادیانی از سوی نشر بیدگل منتشر شده است.



داستان این کتاب از این قرار است که در پاییز سال ۱۹۵۹، در یکی از روستاهای حومه کانزاس، ۴ نفر از اعضای یک خانواده محترم به شکل فجیعی به قتل می‌رسند. قاتلین دست و پای آقا و خانم کلاتر و پسر و دختر نوجوانشان را با طناب بستند، به سرشان شلیک کردند، پوکه‌ها را برداشتند و بدون هیچ ردپایی، در نهایت خونسردی آنجا را ترک کردند. پلیس با بررسی صحنه جرم به هیچ سرنخ مشخصی نرسید. به‌نظر می‌رسید کاتلین هیچ انگیزه‌ای نداشته‌اند؛ نه سرقت و نه انتقام. این حادثه سروصدای زیادی در کشور به پا کرد و خیلی‌ها حیرت‌زده و ترسیده آن را پیگیری می‌کردند. ترومن کاپوتی که شیفته این اتفاق شده بود خود را به کانزاس رساند تا گزارش این قتل‌ها و تحقیقات پلیس را بنویسد.

پیگیری او نزدیک به ۷ سال طول کشید و تا دستگیری و محاکمه مجرمان ادامه یافت. حاصل کار او کتاب «در کمال خونسردی» است که از درخشان‌ترین کتاب‌های ادبیات پلیسی و جنایی تاریخ محسوب می‌شود. او سعی می‌کند به درون شخصیت قاتلان برود و در گذشته و زندگی‌شان کندوکاو کند تا به انگیزه‌های پنهان آنها برای این جنایت هولناک پی ببرد. کاپوتی در این کتاب فرمی به نام رمان غیرداستانی ابداع می‌کند که کاملاً با نوع روایت او همخوان است؛ چیزی بی‌بین داستان‌نویسی، گزارش‌نویسی و مستندنگاری. براساس این کتاب ترومن کاپوتی، فیلم اقتباسی در کمال خونسردی به کارگردانی ریچارد بروکس هم ساخته شده است. در این فیلم که در سال ۱۹۶۷ اکران شد، بازیگرانی چون رابرت بلیک و اسکات ویلسون به نقش‌آفرینی پرداختند. محور اصلی این فیلم هم درباره ۲ متهمی است که در زمان فرار، اعضای یک خانواده را می‌کشند.

